

## ساختارشناسی زبانی راهبرد همبستگی گفتمان در قرآن کریم

### چکیده

بررسی گفتمان و راهبردهای آن یکی از گرایش‌های نوین در زبان‌شناسی معاصر است و مقصود از راهبرد گفتمان، روش خاصی است که گفتمان با در نظر گرفتن قراین و سیاق، به عنوان راهی برای رسیدن به هدف و کارکردهای خود در نظر می‌گیرد. در زبان‌شناسی معاصر راهبردهای گفتمانی متعددی را بر شمرده‌اند که از جمله راهبردهای همبستگی، دستوری، اقتناعی و کنایه‌ای را می‌توان نام برد. یکی از اصول مهم سودمندی گفتمان، ادبیات گفت‌وگوست که قرآن کریم بدان سفارش نموده‌است. پیروی کلام از آداب و به‌کارگیری قول لاین زمینه اثرگذاری کلام را در مخاطب دوچندان می‌کند و گوینده (مرسل) با به‌کارگیری ساخت زبانی مناسب در تلاش است، جهت محقق شدن اهداف خود که همان نفوذ در عقل و وجدان مخاطب است، از فاصله میان خود و او کاسته و حس همبستگی و قرابت خود را برای مخاطب (مرسل‌إلیه) ملموس سازد. لذا به این نوع گفت‌وگویی که در آن گوینده در راستای اثر گذاری بر مخاطب محبت خود را ابراز می‌کند راهبرد همبستگی گفتمان اطلاق می‌شود. قرآن کریم این نوع گفتمان را به عنوان استراتژی مؤثر در دعوت به راه حق به‌کار برده‌است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در تلاش است به واکاوی ساختار زبانی این استراتژی و به کشف و برجسته‌سازی ابزارهای زبانی که منجر به این نوع گفتمان می‌شود، بپردازد. نتیجه‌ی پژوهش حاکی از آن است که ساخت‌های زبانی برجسته‌سازی، حسن اسناد، واژه‌گزینی در قالب عنوان خطاب، کاربرست خود انکاری و خود سرزنجی و ساختار تصغیر، از مهمترین مؤلفه‌های تشکیل گفتمان همبستگی در قرآن کریم می‌باشد و این نوع گفتمان در اغلب موارد در زمینه‌ی ترغیب و دعوت به سوی خداوند به‌کار رفته‌است.

**واژه‌های کلیدی:** قرآن کریم، گفتمان، همبستگی، ساخت زبانی.

ارتباط بین افراد تنها به استفاده از زبان طبیعی بستگی ندارد کسانی که متعلق به یک جامعه هستند تقریباً دانش زبانی یکسانی دارند، آنها از زبان به شیوه‌ای منظم استفاده می‌کنند که متناسب با اقتضای سیاق باشد. این تنظیم و تناسب خود را در تلفظ گفتار که اصطلاحاً استراتژی خطاب نامیده می‌شود، نشان می‌دهد (الشهری، ۲۰۰۴: ۵۶). این بدان معنی است که خطاب کامل یک خطاب برنامه ریزی شده مستمر و احساسی است. از این رو، انتخاب استراتژی مناسب برای فرستنده پیام در راستای بیان قصد و رسیدن به هدفش امری ضروری است.

قرآن کریم بر اساس هدف گذاری خود در جهت اثرگذاری حداکثری و نفوذ در مخاطب از انواع شیوه‌ها بهره برده است شیوه‌هایی چون تبشیر و انذار، تشویق و تنبیه و انواع روش‌های اقناعی که هر کدام در نوع خود با اهمیت بوده و دارای کارکرد مؤثری هستند. یکی از راهبردهای اثرگذاری استراتژی گفتمان همبستگی است که در آن گوینده (مرسل) تمام همّت خویش را جهت ابلاغ افکار و اندیشه‌های خود به مخاطب (مرسل الیه) به کار بسته و برای مؤثر واقع شدن کلام خویش، از شگرد اعلام همبستگی با مخاطب بهره می‌جوید. بنابراین راهبرد همبستگی یکی از ساز و کارهای مؤثر در تثبیت روابط محاوره‌ای است که در قرآن کریم حضور فعال دارد.

حقیقت آن است که آنچه دانشمندان غربی از آن به عنوان استراتژی همبستگی یاد می‌کنند و آن را تحت مباحث زبان‌شناسی مورد بحث قرار می‌دهند در زبان عربی، دانشمندان تحت مباحث مختلف به این موضوع پرداخته‌اند و بهترین دلیل بر این مدعا این است که خطاب و گفت‌وگو و جدال در اسلام با اصول اسلامی و ارزش‌های اخلاقی مرتبط است. چراکه در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که در آن به رعایت ادب و اخلاق در گفتمان بدون توجه به داشتن هر نوع گرایش مذهبی شنونده، تأکید شده است؛ چنانچه از آیات زیر قابل برداشت است در گفتمانی که به قصد تأثیر بر مخاطب انجام می‌گیرد، تعامل نیکو یک قاعده اساسی محسوب می‌شود.

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ  
بِالْمُهْتَدِينَ (النحل: ۱۲۵)

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: ۱۵۹)  
اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه: ۴۳-۴۴)

با توجه به آیات فوق، منطق ادب لاکوف و نظریه التوجه براون و لیفنسون در راستای روش دعوت اسلامی است، و اسلام جهت تأثیر گذاری بر مخاطب، به تحریک احساسات و عواطف مخاطب و اظهار محبت و تکیه بر روش موعظه حسنه تأکید دارد. در واقع دانشمندان غربی به این روش‌ها استراتژی همبستگی با مرسل الیه (گیرنده پیام) اطلاق می‌کنند که وجود این زمینه برای رسیدن به اهداف گفتمان امری ضروری است. با توجه به اهمیت این راهبرد در ارتباط‌گیری و تعامل با دیگران، بحث پیش رو با دو سطح نظری و تطبیقی ضمن نشان دادن ضرورت راهبرد گفتمان همبستگی در نفوذ و اقناع مخاطبین به بررسی نقش و کارکرد ساختار زبانی در تحقق استراتژی مذکور در قرآن کریم می‌پردازد.

## ۱-۱. سؤال پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از داده‌های توصیفی و تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که:

استراتژی همبستگی گفتمان در قرآن به عنوان یک راهبرد اثرگذار بر پایه چه ساخت‌های زبانی بنا نهاده شده است؟

## ۱-۲. پیشینه تحقیق

با گسترش رویکرد تحلیل گفتمان، آثار ادبی از منظر ساختارشناسی زبانی و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار مورد توجه قرار گرفتند. در این میان قرآن کریم به عنوان برجسته‌ترین متن ادبی که در میان محققان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، نظر صاحبان قلم و اندیشه را به خود جلب نموده و در زمینه تحلیل خطاب آثار ارزشمندی به یادگار گذاشته است که از جمله مهمترین آنها به لحاظ قرابت موضوع می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- داود معماری و زهرا غلام زاده در مقاله‌ای با عنوان «اسلوب خطاب و نقش آن در تبیین معارف قرآنی» فصلنامه پژوهشهای ادبی-قرآنی، شماره چهارم، سال اول، زمستان ۱۳۹۲، به بررسی اسلوب خطاب و تأثیر این شیوه ادبی بر تبیین معارف قرآنی می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که خداوند متعال با دو روش خطابی مستقیم و غیر مستقیم برخی از معارف و احکام اساسی را به مردم ابلاغ می‌کند.

- احمد پاکچی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فرآیندهای گفتمانی در سوره قارعه، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی» آبان ۱۳۹۴ در شماره ۴ مجله جستارهای زبانی، به مطالعه نشانه‌شناسی تنشی در تحلیل فرآیندهای گفتمانی سوره قارعه پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که فرآیندهای گفتمانی سوره قارعه در کلیت آن، مطابق ساختار تنشی نزولی و در جهت گسست گفتمانی پیش رفته است و تحلیل فرآیندهای تنشی در گفتمان سوره «قارعه» الگویی از یک سوره‌شناسی دقیق و نظام مند است.

- همچنین در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل گفتمان بشارت در قرآن» آذر ۱۳۹۶ در شماره ۲ مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ابراهیم نامداری و زهرا عبادی با به‌کارگیری روش توصیفی تحلیلی کوشش شده‌اند تا پس از بیان تعریفی از «کارگفت» و تاریخچه‌ی آن، «کاربردشناسی» و «بافت»، بافت پیرامونی کارگفت بشارت و تحلیل گفتمان و کارگفت آن در قرآن و شرایط حاکم میان دوسوی این تعامل گفتاری - خداوند و بنده - و دستاویزهای عنصر مُبَشِّر برای اقناع مُبَشِّر ترسیم شود و به این نکته اشاره می‌کنند که در کارگفت بشارت، خداوند با وعده‌های دنیوی و اخروی مخاطب را برای قبول ایمان و انجام تکالیف ترغیب و تشویق می‌کند. در این میان مخاطب باید آزادانه و با اختیار خود موضوع را قبول یا رد کند و در هیچ مرحله‌ای احساس تکلف و اجبار نکند.

با وجود آثار ارزنده در خصوص تحلیل گفتمان در قرآن کریم ذکر این نکته لازم است که با مطالعه و بررسی‌های صورت گرفته درباره شیوه‌های گفتمان می‌توان اذعان نمود که جستار حاضر دارای نوآوری بوده و استراتژی همبستگی گفتمان را از بعد ساختارشناسی زبانی مورد بررسی قرار داده و به نتایج مطلوب نائل آمده است.

## ۲. مبانی نظری:

در هر اثر علمی که بر پایه استانداردهای پژوهشی بنیان نهاده شده است، تبیین و تشریح زیرساخت‌های نظری آن از امور لازم جهت برداشت مفهوم صحیح و درک درست از مصادیق وارد شده در سطح تطبیق می‌باشد. فلذا در این بخش به پاره‌ای از مفاهیم که از متغیرهای اصلی مقاله است پرداخته می‌شود.

## ۱-۲. گفتمان (Conversation)

اصطلاح گفتمان یا خطاب در معنای اصلی خود به هر چیز بیش از یک جمله، خواه مکتوب باشد یا ملفوظ، اطلاق می‌شود. (الرویلی و البازغی، ۲۰۰۳: ۱۵۵)

البته تعاریف متعددی از گفتمان ارائه شده است؛ از جمله اینکه گاهی گفتمان به واحدهای بزرگتری از زبان چون بند، مصاحبه، مکالمه و متن نظر دارد (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۸). بر اساس این تعریف گفتمان زبان بالاتر از جمله یا بالاتر از بند است اما در رویکرد نقش‌گرایانه زبان‌شناسی «گفتمان را زبان به هنگام کاربرد می‌داند و به بافت کاربرد زبان توجهی خاص دارد» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۲۸) بر اساس این رویکرد تحلیل گفتمان به مثابه یک نوع تحلیل زبانی در هنگام کاربرد است که در آن نمی‌توان توصیف صورت‌های زبانی را مستقل از هدف و نقشی انجام داد که این صورت‌ها قرار است، در امور انسانی ایفا کنند. (سلطانی، ۱۳۸۷، ۳۰)

گیدنز در بحثی با عنوان: «قواعد اجتماعی، گفت‌وگو و محبت» می‌گوید: میزان زیادی از کنش متقابل ما از طریق صحبت یا گفت‌وگو انجام می‌شود. جامعه‌شناسان نیز همواره پذیرفته‌اند که زبان برای زندگی اجتماعی اهمیت اساسی دارد؛ اما اخیراً رویکردی پدید آمده است که به ویژه به چگونگی کاربرد زبان در زمینه‌های عادی زندگی هر روزه توجه دارد. (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۲۲)

بن ظافر شهری گفتار را عبارت می‌داند از هر سخنی که برای بیان مقصود فرستنده و رسیدن به مقصود به سوی دیگران جاری می‌شود. و این تعریف شامل سه محور است: ۱. این که گفتمان بین دو نفر صورت می‌گیرد. ۲. اینکه فرستنده قصد خود را بیان کند. ۳. و اینکه به یک هدفی می‌رسد. (الشهری، ۲۰۰۴: ۸۱)

در معجم مقایسی اللغة: خطاب به معنای گفتار رد و بدل شده میان دو نفر آمده است. (ابن فارس، ۲۰۰۱: ۳۰۴)

بنابراین خطاب، هر چیزی است که بیانگر قصد فرستنده برای رسیدن به هدفش است، پس فرستنده باید در هنگام گفت‌وگو راهبردهای گفتمانی را رعایت نماید؛ چراکه گوینده به وسیله گفتمان به دنبال برقراری رابطه با گیرنده پیام است و مدنظر قرار دادن و به‌کارگیری استراتژی مبتنی بر سیاق امری لازم است.

## ۲-۲. راهبرد (strategy)

استراتژی مجموعه‌ای از فرآیندهای پردازش هدفمند آگاهانه برای ایجاد اهداف بلند مدت و مبتنی بر مجموعه‌ای از فرآیندهای تجربی و تصمیم‌گیری است که از طریق آن مراحل اقدام و ابزارهای اجرایی با روشهای خاص برای دستیابی به اهدافی مشخص به‌کار گرفته می‌شود. (محمد لازم و ولی حیدر، ۱۴۳۸: ۱۸۱)

استراتژی همبستگی، راهبردی است که گوینده سعی می‌کند درجه علاقه خود را به گیرنده پیام برساند و در تلاش است تا از میزان ارزشی که برای آن علاقه قائل است و از رغبتش نسبت به حفظ آن یا گسترش آن رابطه با از بین بردن اختلافات

میان خود و متلقى بیان کند. در کل استراتژی همبستگی تلاشی برای نزدیک شدن به متلقى و مرسل الیه است. (الشهری، ۲۰۰۴: ۲۵۷)

جورج یول استراتژی همبستگی را به شاخص مؤدب بودن پیوند داده و متذکر می‌شود که تمایل به استفاده از اشکال مؤدبانه مثبت که بر نزدیکی گوینده و شنونده تأکید دارد را می‌توان مورد توجه قرار داد. (یول، ۲۰۱۰: ۱۰۶)

اگر چه در زبان عربی گذشتگان به استراتژی همبستگی در اشکال نحوی، لغوی و بلاغی اشاراتی کرده‌اند؛ لکن هیچگاه استراتژی همبستگی در زبان عربی به صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. در مقابل محققین غربی از دهه شصت قرن گذشته با تأسیس نظریات مشخص به بررسی آن پرداخته و به اهمیت زبان در گفت‌وگوی تعاملی توجه خاص داشته‌اند. از نخستین کسانی که در غرب به این راهبرد توجه نشان دادند، براون و لفسون هستند که نظریه صورت (face) آنها از تحقیقاتی به شمار می‌رود که سهم بسزایی در بررسی استراتژی همبستگی دارد. براون و لفسون صورت را نماد تعامل گفتمان برشمرده و آن را در ارتباط با فرستنده پیام (المرسل) و گیرنده پیام (المرسل الیه) دانستند. و به این نکته اشاره کردند که خطاب تنها با استفاده از یک استراتژی خطابی خاص قابل بیان است. (الشهری، ۲۰۰۴: ۲۶۳)

لذا همبستگی تنها راه تضمین کننده وجود گفتمان مؤدبانه است که متکلم جانب اخلاقی را بر اساس چهارچوب تهنیدی رعایت نموده، بدون اینکه به غرض اصلی گفتمان لطمه وارد کند و آن جنبه تبلیغی است. متکلم از این استراتژی استفاده نمی‌کند تا زمانی که مطمئن شود، این رابطه سلسله مراتبی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بر الزامات اصلی آن تأثیر نمی‌گذارد یا تأثیر آن را از بین نمی‌برد (الشهری، ۲۰۰۴: ۲۶۳). دقت در راهبرد همبستگی در کنار ادب و مد نظر قرار دادن ارتباط در رتبه بعدی است تا فرستنده بهترین راه را برای بیان آنچه مدنظر دارد، انتخاب کند و هیچ چیزی بهتر از نزدیک شدن به گیرنده و همبستگی با او نیست.

رعایت ادب یکی از عناصر تأثیر گذار در نقش ارتباطی زبان است که مانع گسست ارتباط و تنزل عملکرد مثبت زبان می‌شود. به طور کلی، سخنگویان یک زبان در مراودات اجتماعی خود، استراتژی‌هایی را به کار می‌برند که به اصل ادب موسوم بوده و این اصل در ایجاد و تداوم رابطه‌ای مثبت و حفظ تعادل ارتباطی نقش مؤثری دارد. (لیچ، ۱۹۸۳: ۱۰۴)

### ۳. مؤلفه‌های همبستگی در ساختار زبانی

نظر به مؤلفه‌های گفتمان همبستگی در این بخش از مقاله به عمده‌ترین ساخت‌های زبانی در قرآن کریم که نقش مؤثری در تکوین گفتمان همبستگی داشته و به عنوان ابزارهای همبستگی در قرآن انعکاس یافته و تأثیر بسزایی روی گیرندگان و مخاطبین دارند پرداخته شده و مورد تحلیل واقع می‌شود.

#### ۳-۱. ابزارهای زبانی

مرسل (گوینده) به دنبال استفاده از راهبرد همبستگی با مخاطب برای دستیابی به مقاصد و اهداف و از طریق بهره‌گیری از سازوکارها و ابزارهای زبانی است که او را قادر به برقراری ارتباط و حفظ روابط اجتماعی بین آنها می‌کند. برای دستیابی به هدف استفاده از این ابزارها، شرط اخلاص باید برای همبستگی که فارغ از هر هدفی است، فراهم شود، زیرا به تجسم همبستگی بین خود و دیگری کمک می‌کند، چراکه سخنی که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. بنابراین ساخت‌های زبانی

علاوه بر این که جهت شکل‌گیری یک گفتمان لازم است القاء‌کننده همبستگی میان فرستنده پیام و گیرنده پیام می‌باشد. از جمله ساخت‌های زبانی که به عنوان راهبرد گفتمان همبستگی در قرآن کریم به کار رفته است عبارتند از:

### ۳-۲. برجسته‌سازی:

متون ادبی بر خلاف متون عادی از ویژگی‌ها و خصوصیت‌های دیگری بهره‌مند است که این متون را از سایر نگاهشده‌ها متمایز می‌کند. مجموعه این ویژگیها باعث شده که متن ادبی در همان نگاه اول زیبایی و آراستگی خود را به ظهور رساند. هدف این زیبایی در نهایت، رساندن و القای قوی مراد مخاطب است و عامل اصلی زیبایی و هنری نمودن متن ادبی بر برجسته‌سازی است. برجسته‌سازی، انحراف از زبان معیار و ثابت است؛ هنگامی که یک عنصر زبانی برخلاف معمول به کار می‌رود، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. «موکارفسکی برجسته‌سازی را فرایندی آگاهانه می‌داند و معتقد است که هر اندازه فرآیندی آگاهانه‌تر به کار گرفته شود، از خودکاری کمتری برخوردار است ... در فرآیند برجسته‌سازی باید عواملی چون انسجام، نظام‌مندی، رسانگی، انگیزش و زیباشناسی مورد توجه قرارگیرند که البته از بین این عوامل دو اصل رسانگی و زیباشناسی اهمیت بیشتری دارند.» (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۶) با بررسی صورت گرفته در قرآن کریم از جمله عناصری که در ایجاد گفتمان همبستگی از خلال برجسته‌سازی نقش بنیادی دارد، عدول از طلب مستقیم و حذف است.

### ۳-۲-۱. عدول از طلب مستقیم

در قرآن کریم گاهی برخی از قالب‌های زبانی از غرض اصلی خود انحراف یافته و در اغراض دیگری از جمله به هدف طلب به کار می‌رود و هر عنصر زبانی که برآیند آن طلب غیر مستقیم باشد، همبستگی بیشتری را نسبت به دیگر جملات ادا می‌کند به عبارتی دیگر هر اندازه طلب مستقیم کمتر باشد، به همان اندازه گفتمان همبستگی زیادتر خواهد بود. که در بحث حاضر صرفاً برای تبیین مدعا به اسلوب استفهام پرداخته می‌شود:

### ۳-۲-۲. استفهام

استفهام یکی از اسلوب‌های انشائی است که از باب علم معانی به شمار می‌رود و این اسلوب از معنای اصلی خود خارج شده، در معانی سیاقی مختلفی به کار می‌رود، و خروج اسلوب استفهام از معنای اصلی خود از نکات اصلی بحث بلاغی محسوب می‌شود. تفتازانی اولین کسی است که مسأله خروج اسلوب‌های انشائی از معنای خود را برانگیخت. وی در سخن از استفهام می‌گوید: «این کلمات استفهامی اغلب در غیر استفهام، در معانی متناسب با مقام به کار می‌رود و آن به واسطه قرائن و به تحقق رسیدن کیفیت این مجاز می‌باشد» (التفتازانی، ۲۰۰۱: ۴۱۹).

استفهام فارغ از طبیعت ساختار لغوی و کارکردهای معناشناسی‌اش از جهت استدلال دارای اهمیت بارزی است؛ چراکه زمانی که کلام سؤالی را برانگیزد و به سوی سؤال کردن دعوت کند، در نهایت به استدلال و برهان منجر می‌شود؛ لذا کلام و حجاج ارتباط عمیقی دارند و در هر نوع خطاب نمود پیدا می‌کنند، بنابر همین اساس اهمیت طرح سؤال را درک می‌کنیم و آن را به عنوان ابزاری از ابزارهای برانگیختن می‌دانیم که مخاطب را به اعلام موضعش در برابر مسأله طرح‌شده، وادار می‌کند. باتوجه به اینکه پتانسیل اقتاعی استفهام اغلب احيان بر ضمنی بودن استوار است نه صریح بودن، به همین جهت از استفهام اسلوبی استدلالی می‌سازد. (هزاع، بی تا: ۳۹۹) بدین جهت محققین بیان کرده‌اند به کارگیری اسلوب‌های انشایی در مقام اقتاع

مخاطب است؛ به گونه‌ای که استدلال یا اقتناع بر اسلوب‌های انشایی استوار گردیده؛ چون سبب برانگیختن عواطف و احساسات می‌شوند. این به‌خاطر این موضوع است که اسلوب‌های انشایی برخلاف اسلوب‌های خبری از واقعیت خبر نمی‌دهند و این سبب می‌شود عهده‌دار برانگیختگی عواطف و احساسات مخاطب باشند و این همان چیزی است که خطاب استدلالی بر آن تأکید دارد. اولیران معتقد است که امر و تهدید و برانگیختن احساس ترس در مخاطب نوعی استدلال هستند زیرا به‌عنوان ابزاری برای این موضع به‌کار گرفته می‌شوند. (الدردی، ۲۰۰۸: ۱۳۹) دستور یا امری که در قالب استفهام بیان می‌شود بیشتر از امر واقعی در مخاطب تأثیر دارد؛ چراکه صیغه امر تنها برای برآورده شدن کاری، به کار می‌رود این در حالی است که استفهامی که به قصد امر و دستور مطرح می‌شود، متضمن نوعی احترام نیز می‌باشد.

«أَذْهَبُ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى وَ أَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى (النازعات: ۱۷-۱۹)

ابن قیم می‌گوید: «و در اطاعت موسی از آنچه به او دستور داده شده بود تأمل کن که چگونه سخن با فرعون را به صورت سوال و عرض آورد نه به صورت امری و گفت: «إِلَى أَنْ تَزَكَّى» و نگفت «إِلَى أَنْ أَزْكِيكَ» پس آن عمل را به او نسبت داد و از الفاظ دیگری استفاده نکرد و از لفظ تَزَكَّى که برای اینکه در برکت و خیر است استفاده نمود. سپس گفت «أهدیک إلی ربک» من پیشاپیش تو مانند هدایت کننده‌ای خواهم بود که پیش روی تو می‌رود، و گفت: «إلی ربک» دعوتی است برای ایمان او به پروردگارش که او را آفرید و روزی اش داد. (ابن القیم، ۲۰۱۰، ج ۲: ۱۱۷)

در واقع ابن قیم از امتثال عملی حضرت موسی از دستورات خداوند، ساز و کارهای به‌کار رفته در این امر را استخراج نموده و درخواست غیرمستقیم را، مرکزیت مکانیسم دستوری گفتمان دانسته که همراه با رعایت ادب است و این مکانیسم، یعنی طلب غیر مستقیم و دستور در قالب استفهام همان چیزی است که حضرت موسی در گفتارش با فرعون به‌کار برده است. و در حقیقت حضرت موسی با استفاده از قالب پرسشی در جهت کاستن جنبه دستوری کلام گام برداشته که این امر به عنوان یک عنصر همبستگی محسوب می‌شود و مطابق با اصول «براون و لوینسون» و قاعده «لاکوف»: هنگامی که استقبال مخاطب از درخواست به جای دستور، نتیجه است، آنچه را که می‌خواهید تحمیل نکنید (الشهری، ۲۰۰۴: ۳۱۸-۳۱۹) و این شاخصی برای راهبرد همبستگی است؛ زیرا هر چه در کلام گفتمانی نرمش بیشتر باشد، در ایجاد همبستگی و تحقق راهبرد همبستگی مؤثرتر خواهد بود.

و یا در نمونه دیگر می‌فرماید:

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّكَ مُسْلِمُونَ (آل عمران: ۵۲)

هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام احساس کرد که قومش نمی‌خواهند، ایمان بیاورند و از او پیروی کنند، با اسلوب پرسشی، از عده‌ای از قومش خواست که او را در امر خدا و دعوت به سوی او یاری کنند. مسیح (ع) با گفتن این سخن، آنها را به پیروی از خود و حمایت از خدا و پیامبرش (ص) تشویق و ترغیب می‌کند. عده‌ای از قومش که حواریون هستند به او پاسخ دادند و گفتند: ما یاوران خدا هستیم، یعنی یاران خاص او، گفتند: ما یاران دین خدا هستیم که همه چیزمان را در تأیید دعوت تو می‌بخشیم و آموزه‌های تو را نصب العین قرار داده و از سنت‌های پیشینیان رویگردان می‌شویم. (المراغی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۶۷)

در این آیه به جای اسلوب امر اسلوب استفهامی به کار رفته است، و خطاب مسیح علیه السلام می توانست به صورت امری باشد؛ اما کاربرد این اسلوب به میزان زیاد همبستگی اشاره دارد؛ چراکه موقعیت ایشان به کارگیری راهبرد همبستگی را می طلبد و مسیح علیه السلام در اوج نیاز به کسانی است که دین او را یاری کرده و پرچم دعوتش را بالا ببرند. گفتمان حواریون و پاسخ آنها به حضرت مسیح، بدون شک گفتمانی است با راهبرد همبستگی، همان گونه که در پاسخ به او می گویند: «نحن أنصار الله»، یعنی: ما از شما حمایت می کنیم و از دعوت شما دفاع می کنیم. و کسانی که از او طرفداری می کنند، رضایت خداوند متعال را می جویند و شکی نیست که این گفتار، احساس همبستگی زیادی در مخاطب ایجاد می کند.

### ۳-۲-۳. اسلوب حذف:

گاهی برای برجسته کردن و جلب توجه مخاطب، عدول از قواعد امری جایز و گاهی واجب است؛ به گونه ای که می توان گفت: «عدول از هنجارهایی که تابع قواعد زبان است، نوعی تلنگر هنری است که خالق اثر، آن را به خواننده وارد می کند» (عبدالمطلب، ۱۹۹۴: ۲۷۱-۲۷۲) و این عدول گاهی در شکل قاعده افزایی و گاهی در شکل قاعده کاهی صورت می گیرد که می توان قاعده کاهی را همان هنجارگریزی ساختاری دانست که در تقدیم و تأخیر، التفات، حذف پیش می آید. (رضایی هفتادر و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹)

حذف، یکی از فنون سخنوری و روش ظریف و دقیق برای بیان معنا و مقصود کلام به شمار می آید؛ به گونه ای که گاه حذف چیزی، بلیغ تر از ذکر آن است. یکی از کارکردهای بسیار دقیق حذف، گسترش معنا و عمق بخشی به آن است که گوینده با حذف، مخاطب را به تعمق و غور در کشف اسرار و مفاهیم فرا می خواند. از طرفی یکی از اهداف قرآن کریم، گشودن باب تدبیر و اندیشه است. ابن جنی، حذف را از شجاعت عرب شمرده و در مباحث بلاغی جایگاه رفیعی به حذف داده است. عبدالقاهر جرجانی در مورد حذف می گوید: «حذف بابی است که راه آن دقیق، منشأ آن لطیف و تأثیر آن عجیب است و به سحر شباهت دارد. به کمک حذف پی می بریم که گویاترین مقام کلام، وقتی است که کلمه ای بر زبان جاری نکرده ایم. (خفاجی، ۱۹۵۳: ۱۴۶) توجه به مسأله حذف از این جهت حائز اهمیت است که اصل بر ذکر عناصر است و حذف آن، خروج از قواعد علمی و مرسوم است؛ لذا حذف شاخه ای از برجسته سازی شمرده می شود و جهت تبیین مطلب صرفاً به حذف حرف نداء که دارای نقش بارزی در گفتمان همبستگی دارد پرداخته می شود:

اسلوب ندا دارای ادواتی از قبیل «یا، آیا و هیا..» است که به جای فعل انادی می آید؛ اما گاهی حذف حرف یاء ندا و همچنین حذف یاء متکلم در منادای مضاف به یاء متکم، رخ می دهد. به عنوان نمونه می توان عبارت «غلام» را به جای «یا غلامی» آورد. این حذف در نداء برای تخفیف صورت گرفته و گاهی در برخی از خطابات به قصد تقرب رخ می دهد. در قرآن کریم در آیات متعدد اسلوب ندا به کار رفته است که در آن گاهی حرف ندا و گاهی یاء متکلم در منادای مضاف به یاء متکلم حذف شده است چه بسا این دو حذف در برخی از خطابات در یک جا جمع شده است. مثل آیات زیر:

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ (بقره: ۱۲۶)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ ادْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (أعراف: ۱۵۱)



حذف حرف نداء یا و یاء متکلم در آیات فوق از سوی متکلم میزان زیادی از حس همبستگی را به مخاطب انتقال می دهد و حذف حرف یاء ندا در راستای بیان قرب از طرف گوینده انجام می گیرد؛ چراکه در اصل یاء ندا برای منادای بعید به کار می رود.

### ۳-۳. حسن اسناد:

حسن اسناد این است که ترکیب جمله به گونه ای صورت گیرد که فضای روانی مثبتی برای مخاطب ایجاد کرده و در او زمینه پذیرش خواسته های فرستنده پیام را آماده سازد. یکی از بارزترین مصداق این استراتژی آیه شریفه زیر است که می فرماید:

«فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بَيِّنَاتٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ» (طه: ۴۷)

در این خصوص ابن قیم به روش ترتیب و تنظیم، مخاطب قرار گرفتن فرعون توسط حضرت موسی چنین اشاره کرده و می گوید: و در سیاق نیک این جملات و نظم این گفتار و لطافت این گفتار نرم که در کنار عظمت و جلالش نیکی و شیرینی آن دلها را ربوده است، بنگر که چگونه سخن را با این جمله آغاز کرد که: « ما فرستاده پروردگارت هستیم و در نزد تو نیامده ایم تا در اموال اختلاف کرده و در آن شریک کنیم، بلکه ما بندگانی هستیم که از جانب پروردگارت به سوی تو مأمور شده ایم.» (ابن القیم، ۲۰۱۰، ج ۲: ۱۴۵). ابن قیم در این بند، جنبه مهمی را توضیح داده و شخصیت فرعون را که دارای حب قدرت و سلطه بود منعکس می کند و در قدرت به مرحله ای رسیده بود که ادعای خدایی داشت. لذا با توجه به شناختی که حضرت موسی و هارون از علاقه او به قدرت داشتند به نزاع با وی نپرداختند به طوری که گفتند که آنها فرستاده شده از پروردگار فرعون به سوی او هستند. سپس او در ادامه به اضافه شدن «رب» به ضمیر «کاف» به جای اضافه شدن آن به ضمیر «نا» پرداخته و می گوید: افزودن نام خداوند به او {فرعون} در اینجا به جای افزودن به خودشان {موسی و هارون}، به جهت دعوت به شنیدن، اطاعت و پذیرش اوست.» (ابن القیم، ۲۰۱۰، ج ۲: ۱۴۵).

بعد از این آماده سازی روحی که از رهگذر ساخت زبانی شکل گرفته است، حضرت موسی و هارون توانستند، درخواست خود را به صورت تدریجی به او مطرح کنند ابتدا از وی خواستند بنی اسرائیل را به همراه آنها فرستاده و مورد عذاب قرار نداده و رعایت انصاف را در حق دیگران خواستار شدند.

این روش ارشادی که در آن ترتیب و بافت کلام به گونه ای صورت گرفته است که ضمن رعایت ادب توسط گوینده خواسته ها هم مطرح می شود، از مهم ترین پایه های استراتژی همبستگی است که بر ادب بنا شده است؛ چیزی که آن را روبن لاکوف در مقاله مشهور خود «منطق تأدب» مورد تحسین قرار داده است. (عبد الرحمن، ۱۹۹۸: ۲۴۰) که مبتنی بر رعایت جنبه ی مؤدبانه کلام از سوی گویندگان است و جالب اینکه به جای «پروردگار ما» می گوید: «پروردگار تو»، تا عواطف فرعون را متوجه این نکته سازند که او پروردگاری دارد و اینها نمایندگان پروردگار اویند، ضمناً به طور کنایه به او فهمانده باشند که ادعای ربوبیت از هیچکس صحیح نیست و مخصوص خداست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۲۱۰)

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ... (۸۴) وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ ... قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُمْ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا ... (۸۸) وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ .. (۸۹) قَالَ يَا قَوْمِ أ

رَهْطَىٰ أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ اتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۹۲) وَ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلٰی مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ مَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ (هود: ۹۳)

در آیات ۸۴ تا ۹۳ سوره مبارکه ی هود، شعیب علیه السلام با در نظر گرفتن اصل ابراز دوستی و همبستگی، با قوم خود به گفتگو نشسته و بارزترین دلیل این مدعا، ساختار نداء است که گفتار خود را به واسطه آن آغاز کرده است و با گفتن «یا قوم» خود را به آنها نسبت داده. و خودش را یکی از آنان بر شمرده است. این ندایی است که با یادآوری خویشاوندی خود با آنها، دلالت بر نصیحت و شفقت دارد. (البقاعی، ۱۹۶۹، ج ۹: ۳۶۵)

حضرت شعیب علیه السلام در هر جمله‌ای که آنها را مورد خطاب قرار داده است از این ساختار ندائی استفاده کرده است به طوری که در این قسمت شش بار تکرار شده است. این ندا در ابتدای تمام مراحل گفتمان پس از تمسخر و حتی تهدید حضرت شعیب توسط قوم خود ادامه دارد و به کارگیری این ساختار ندائی در گفتگو با آنها دلیلی بر همبستگی با آنهاست؛ چراکه خود را در جمله ایشان قرار داده و این یک نشانه اجتماعی است که رابطه بین گوینده و مخاطب را تقویت می‌کند، «استفاده از نشانه‌ها در استراتژی همبستگی فواید زیادی دارد، از جمله در ایجاد رابطه اجتماعی و توسعه آن کمک می‌کند و گاهی نشانه تعلق به یک گروه خاص، یا دلیلی بر توافق با آن گروه در رأی و نظری خاص می‌باشد.» (الشهری، ۲۰۰۴: ۲۷۸) پس با این ندا نشان داده است که او با آنهاست و با ایشان مخالفتی ندارد و خود را به آنها نسبت می‌دهد و این نسبت دادن خود، باعث تقویت رابطه و حفظ ارتباط با آنها شده و مورد پذیرش واقع شدن گفتار و اثر گذاری ارتباطش را تضمین می‌کند.

### ۳-۴. گزینش واژه:

واژگان نشان دهنده‌ی وجود خود زبان است؛ زیرا مهمترین عنصر در زبان برای هر زبانی است مفرد یک مفهوم خاص است و در ایجاد زبان نقش دارد نقش و مفهوم مربوط به نوع کلمه یا جنسیت آن و همچنین کاربرد آن در جمله. از آنجایی که واژگان یکی از مهمترین آنهاست، عناصری که برای کسب مهارت زبانی باید درک شوند - به ویژه مهارت صحبت کردن - یادگیری آن بسیار مهم است. (نوریانی، ۲۰۱۱: ۱۷۶).

در استراتژی همبستگی، دو طرف گفتمان طوری می‌شوند که گویی در زبان همتا هستند. فرستنده (المرسل) می‌تواند این رابطه را با بسیاری از ابزارهای زبانی بیان کند. از آن جمله می‌توان به اسم های اشاره زبانی اشاره کرد که دور را نزدیک می‌کند و طرف های ارتباطی را به هم نزدیک می‌کند و مانند ضمیر «ما» که نشان دهنده جمع و اتحاد دو طرف گفتمان است و یا استعمال اسم، لقب و کنیه که نشانگر ارتباط نزدیک با مخاطب است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت از دیدگاه عملگرایانه، کارکرد زبان را نمی‌توان جدا از راهبردهای استفاده شده توسط فرستنده تعریف کرد. و شناخت راهبردهایی را که فرستنده در گفتمان در نظر می‌گیرد بدون در نظر گرفتن اهداف متکلم و جدا از مخاطب و به طور کلی از بافت با عناصر متعدد آن امکان ندارد.

عبارات خطاب مکانیسم زبانی مهمی هستند که گویشوران از طریق آن نگرش و برداشت خود را در مورد رابطه خود با مخاطب منعکس می‌کنند. انتخاب نامناسب عبارت خطاب ارتباط خوب بین گوینده و شنونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صورت‌های خطاب شاخص رابطه اجتماعی بین گوینده و شنونده با توجه به فاصله موقعیتی و اجتماعی اند. این

عبارات به نوعی سرمایه عاطفی هستند که می‌توانند دیگران را در ارتباط، در جایگاهی مطمئن قرار دهند و وسیله حفظ وجهه شوند (براون و لوینسون: ۱۹۸۷: ۱۲۶).

اویتاد (oyetade، ۱۹۹۵) عبارات خطاب را واژگان و اصطلاحاتی می‌داند که در موقعیت‌های رو در روی تعاملی و گفت‌وگویی متناسب با فرد به کار می‌روند. به اعتقاد لیچ (Leech، ۱۹۹۹) اصطلاحات خطاب رفتارهای کلامی طبقه بندی شده‌ای هستند که در ادبیات زبان‌شناسی اجتماعی به عنوان علایم اشاری بین فردی و انتقالی در روابط بشری شناخته شده‌اند. (احمدخانی، ۱۳۹۳: ۲) بنابراین یکی از مهم‌ترین شیوه‌های دریافت متن، وابسته به شناختی است که خواننده نسبت به اجزا و سازه‌های کوچکتر متن، از جمله واژه دارد. لذا به کارگیری مناسب واژه‌ها نقش بسزایی در گفتمان همبستگی دارد.

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (یوسف: ۴)

حضرت یوسف پدر خویش را به جهت ابراز شدت دوستی و به روش مهرجویی به جای لفظ آب با لفظ یا اَبْت مورد خطاب قرار می‌دهد و یاء متکلم به تاء تبدیل شده تا بر سطح بالایی از همبستگی و نزدیکی و اَلْفَتْ دلالت نماید. (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۳۷۴). پسر محبت پدر را به خود جلب می‌کند و او را «یا اَبْت» می‌خواند تا شدت محبتش را به پدر برجسته کند و این نشان‌دهنده راهبرد همبستگی است.

### ۳-۵. کاربست خود انکاری و خود سرزنشی:

از جمله راهبردهای گفتمان همبستگی که از مسیر واژه‌گزینی میسر می‌گردد شگرد خود انکاری است. نادیده گرفتن خود نوعی از ابزارهای همبستگی است که گوینده (مرسل) آن را به کار می‌برد، مرسل طوری از خودش صحبت می‌کند که گویا از شخصی دیگر صحبت می‌کند. این ابزار یکی از نشانه‌های استراتژی همبستگی است مخصوصاً نزد کسی که دارای قدرت است. (الشهری، ۲۰۰۴: ۳۰۴) آیه شریفه زیر را می‌توان از بارزترین مصادیق این راهبرد ذکر نمود که می‌فرماید:

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَ قَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَ أَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (یوسف: ۲۵)

در این آیه شریفه زلیخا در راستای ایجاد گفتمان همبستگی دست به انکار خود زده و با گزینش واژه «بِأَهْلِكَ» به جای «بی» تظاهر به همبستگی و نزدیکی با عزیز مصر نموده است؛ چراکه بعد عاطفی «بِأَهْلِكَ» (با خانواده تو) بیشتر از «بی» (با من) است. لذا او با برانگیختن احساسات و عواطف او و نیز جوشش غیرت او به جای استفاده از ضمیر مناسب «بی»، اظهار داشته که از خانواده اوست. و این نوع گزینش واژه علاقه‌مندی و همبستگی دو طرف گفتمان را افزایش می‌دهد.

خود سرزنشی نیز یکی از راهبردهای همبستگی که از خلال گزینش واژگانی، در خطاب انبیا به چشم می‌خورد نسبت دادن نقص به خود در مقابل خداوند است که در اصطلاح به آن تأنیب الذات می‌گویند. و آن بدین صورت است که فرستنده پیام

در برابر مخاطب از شدت و سطح قدرت و رفتار و اعمال خود بکاهد. (الشهری، ۲۰۰۴: ۳۱۹). این روش در خطاب انبیا در مقابل خداوند به وضوح قابل مشاهده است که از جمله آن می توان به نمونه های زیر اشاره نمود:

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (الأعراف: ۲۳)

در این آیه شریفه حضرت آدم و حضرت حوا (علیهما السلام) با نسبت دادن ظلم به خود در برابر لغزششان دست به خود سرزنشی زده و جالب اینکه به قدری در توبه و تقاضای عفو، ادب نشان می دهند که حتی نمی گویند خدایا ما را ببخش «اغفر لنا» بلکه می گویند اگر ما را نبخشی از زیانکاران خواهیم بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۲۷) و عبارات «ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا» و «لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» که مصداقی واضح از ساخت خود سرزنشی به شمار می رود، در راستای ایجاد گفتمان همبستگی صورت گرفته است که از تأثیرگذاری ژرفی در گیرنده پیام برخوردار می باشد.

و یا حضرت نوح در خطابش به خودش نقص نسبت می دهد:

«قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (هود: ۴۷)

نمونه یگر این راهبرد را می توان در خطاب حضرت ابراهیم علیه السلام به خداوند باری تعالی یافت: اَلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (شعراء: ۷۸-۸۰) همانگونه که مشاهده می شود در عبارت مذکور امر خلقت، هدایت، اطعام، اشراب و شفا به خداوند متعال نسبت داده شده است و در واقع مسندالیه این مسندها ذات اقدس الهی است، اما در عبارت «إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» با وجود اینکه مرض و شفا از مقدرات الهی است شفاء را به خداوند نسبت داده و مرض را به خودش و این اسناد به جهت رعایت حسن ادب صورت گرفته است (قرطبی، ۱۳۷۲: ۱۱/۳۷)؛ چراکه در این دیالوگ حضرت ابراهیم در مقام ثنای خداوند قدردانی از نعمت های او قرار دارد پس مرض را به خودش نسبت داده تا چیزی را که اقتضای آن ضرر و خسران است را به خداوند که به عنوان گیرنده ی پیام است، نسبت ندهد تا در مسیر ایجاد همبستگی با مخاطب قرارگیرد؛ چراکه نسبت دادن مرض به خداوند با ساختار جمله که بر اساس شکر لسانی استوار گشته سازگار نخواهد بود، به جهت اینکه نسبت دادن مرض به خداوند زبان شکوی را تقویت می نماید. بنابراین در این آیه نسبت نقص به متکلم و خیر به مخاطب در جهت ایجاد گفتمان همبستگی صورت گرفته است.

### ۳-۶. کاربرد نام و لقب در خطاب

برای دلالت بر علم ابزارهای زبانی مشخصی وجود دارد که عموماً نام، کنیه و لقب هست که از نظر تجسم استراتژی همبستگی متفاوت هستند که بارزترین آنها، نام سپس کنیه و بعد لقب است. و این ترتیب نشانگر قدرت آنها بر همبستگی است. (الشهری، ۲۰۰۴: ۲۷۰) و در واقع از دیدگاه تحلیل رفتارهای متقابل یکی از راه های ایجاد همدلی و همبستگی به شکل کلامی خطاب قرار دادن اسم افراد است که حس خوشایندی را به مخاطب انتقال می دهد. در قرآن کریم در آیات متعددی جهت خطاب از اسماء و القاب گوناگونی بهره گرفته شده است که از جمله می توان به آیه زیر اشاره نمود:

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران: ۴۲-۴۳)

در این آیه شریفه به کارگیری اسم علم مریم از جمله راهبردهای همبستگی است؛ چراکه خطاب قرار دادن انسان با نام او، حس خوشایندی را به وی انتقال داده و احساس همبستگی و مورد توجه واقع شدن از سوی فرستنده پیام می‌کند و گیرنده پیام آمادگی بیشتری را برای ارتباط با فرستنده پیام پیدا می‌کند. همانگونه که در آیه مذکور مشاهده می‌شود نداء حضرت مریم با نام نوعی از تکریم است؛ چراکه به جهت اکرام او به جای استفاده از اسم اشاره «یا هذِهِ» از «یا مریم» استفاده شده است. (العنیمین، ۱۴۳۵، ج ۱: ۲۵۵) بنابراین اسم محبوب‌ترین کلمه نزد صاحبش است و در این آیه نیز بدین سبب نداء حضرت مریم دوبار با اسم شخصی او صورت گرفته است و تکرار خطاب با اسم مریم در راستای آگاه سازی او از مقام والایش نزد ملائکه است و گرنه امکان عطف بدون ذکر نام صریح مریم وجود داشته است. (الکیسی، ۲۰۰۹: ۱۰۹) لذا سیاق قرآنی می‌توانست به یک بار ذکر نام بسنده کند، اما بدون شک تکرار آن بعد بلاغی همبستگی را به همراه دارد.

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَ أَهْسُبُ بِهَا عَلٰى غَنَمِيْ وَلِيْ فِيْهَا مَآرِبٌ أُخْرٰى قَالَ اَلْقٰهَا يَا مُوسٰى (طه: ۱۷-۱۹)

### ۳-۷. کاربرد ضمیر متکلم مع الغیر:

به کارگیری ضمیر دسترسی به استراتژی همبستگی را سهل نموده و موجب تقویت ارکان زبانی آن می‌شود. از مهمترین ضمیر ضمیر نحن است؛ چراکه فرستنده پیام از دو بعد آن را به کار می‌گیرد بعد نخست اینکه در گفتار میان خود و میان گیرنده پیام مبنی بر اینکه میان آن دو همبستگی وجود دارد، جمع می‌بندد و بعد دیگر اینکه زمانیکه ضمیر «نحن» به جای ضمیر «هو» یا «أنت» به کار می‌رود و مراد از آن صرفاً گیرنده پیام است، نمایانگر ساختار صمیمی و عمیق گفتمان است.

قُلْ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا اِلٰى كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنِنَا وَ بَيْنِكُمْ اِلَّا نَعْبُدُ اِلَّا اللّٰهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهٖ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا اَرْبَابًا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُوْلُوْا اَشْهَدُوْا بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ (آل عمران: ۶۴)

استفاده از ضمیر متکلم مع الغیر در این آیه شریفه گواه روشنی است بر قصد همبستگی در گفتار «بیننا، نعبُد، نُشْرِك، بعضنا»؛ چرا که این ضمیر دو طرف گفتمان را در این موقعیت محاوره‌ای، در یک موضع قرار داده که حاکی از ارتباط نیک و حسنه میان آنهاست که دارای نقاط مشترک هستند. به طور کلی می‌توان گفت که این موقعیت گفتاری ایجاب می‌کرد که فرستنده پیام یعنی پیامبر (ص) در گفتگو با اهل کتاب، با استفاده از ساخت زبانی ضمیر متکلم مع الغیر، راهبرد همبستگی در گفتار را به عنوان راهبردی اثرگذار بر مخاطب اتخاذ نماید؛ چراکه آن حضرت به دنبال دعوت اهل کتاب به پیروی از حق و ترغیب آنان به پذیرش اسلام، بوده است. بنابراین ضمیر در این راهبرد به عنوان شاخصی برای همبستگی و دلیلی برای اتحاد و تقویت رابطه با مخاطب بوده و در معنای گفتمان اثرگذار می‌باشد. (الشهری، ۲۰۰۴: ۴۱)

### ۳-۳. کاربرد اسم تصغیر:

تصغیر نیز از ابزارهای زبانی است که مرسل از آن در جهت همبستگی با مرسل الیه بهره می‌گیرد؛ و تصغیر برای ابراز دوستی و محبت به کار می‌رود. تصغیر علاوه بر کارکرد ابراز دوستی، دارای کارکردهای معنایی دیگری نیز است؛ از جمله اینکه آن از شدت و حدت افعال مخصوصاً افعال دستور می‌کاهد و درجات دوستی را اعتلا می‌بخشد؛ لذا تصغیر اسماء و ألقاب از نشانه‌های ابراز همبستگی محسوب می‌شود.

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (يوسف: ۵)

در این آیه شریفه تصغیر کنایه از دوست داشتن و مهربانی است، شخص بزرگسال در جای شخص خردسال قرار گرفته است؛ به جهت اینکه شخص خردسال به فراخور شأنش مورد دوستی و مهربانی قرار می‌گیرد. (ابن عاشور، ۱۳۹۴، ج ۱۲: ۱۷) و لذا حضرت یعقوب علیه السلام به یوسف خطابی مشفقانه کرد و فرمود: «یا بنی: ای پسرک عزیزم». و قبل از آنکه خواب او را تعبیر کند، از در اشفاق، اول او را نهی کرد از اینکه رؤیای خود را برای برادرانش نقل کند، و آن‌گاه بشارتش داد به کرامت الهی که در حقش رانده شده. و نهی را مقدم بر بشارت نیآورد؛ مگر به خاطر فرط محبت و شدت اهمتامی که به شأن او داشته و آن حسادت و بغض و کینه‌ای که از برادران نسبت به وی سراغ داشت. (طباطبایی ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۷۸) آلوسی صاحب روح المعانی نیز تصغیر در آیه مذکور را از باب شفقت و مهربانی دانسته است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۳۷۳)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل عمران: ۶۴)

پیامبر گرامی در این آیه شریفه جهت اثر گذاری پیام خود بر مخاطبین از ساخت ندائی بهره گرفته و این نداء مقدمه‌ای است، دارای راهبرد همبستگی واضح برای ورود به مطلب و پیام اصلی. چنان که در این نداء آنان را «اهل کتاب» توصیف کرده و به ستایش و مدح آنها پرداخته است. ستایش گیرنده پیام و تحسین و توصیف او به عنوان شخص نیک و برتر، از مهم ترین شیوه‌هایی است که فرستنده پیام آن را به عنوان راهبرد همبستگی در گفتمان اتخاذ می‌کند، زیرا این بهترین تأثیر را برگیرنده گذاشته و باعث می‌شود ارزش خود را احساس کند و موجب افزایش احترام او به فرستنده پیام شده و در نهایت رابطه میان آن دو تقویت شود و اطلاق اهل کتاب به مخاطبین در این گفتمان از باب یادآوری این نکته است که خداوند آنها را مختص کتاب خود قرار داده و آنها را در مقابل کافران و منکران قرار داده و جایگاهی خاص برایشان قائل شده است. (الکبسی، ۲۰۰۹: ۲۶۴) بنابراین این نوع نداء منجر به تقویت همبستگی و توسعه علاقه میان فرستنده و گیرنده پیام شده و پذیرش پیام را آسان می‌نماید.

#### ۴. نتیجه گیری

قرآن کریم بر اساس اصل مهم سودمندی گفتمان که همان اثر گذاری بر مخاطب است، راهبردهای متعددی را به کار گرفته است که یکی از مهمترین آنها استراتژی همبستگی در گفتمان است که در آن فرستنده پیام، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا قرابت خود را به گیرنده پیام ابلاغ کند. بر این اساس، قرآن کریم حاوی ساخت‌های زبانی گوناگونی است که می‌توان از خلال آنها به این راهبرد مهم دست یافت. با عنایت به مطالعات صورت گرفته، جستار حاضر نشان می‌دهد استراتژی همبستگی گفتمان از محوری ترین راهبردهای تعاملی در قرآن کریم است که در جهت اقناع مخاطب به کار گرفته شده است. و برای رسیدن به این مطلوب از ساخت‌های زبانی که دارای پتانسیل ابراز همبستگی هست بهره فراوانی برده است. از مهمترین ساخت‌های زبانی که به صورت مصداقی و با استناد به آیات و تحلیل کاربرد شناسانه این نقش مهم را ایفاء می‌کند می‌توان به مواردی مانند برجسته‌سازی، حسن اسناد، واژه‌گزینی در قالب عنوان خطاب، کاربست خود انکاری و خود سرزنی و ساختار تصغیر، اشاره کرد که در تمامی این مؤلفه‌ها حس همبستگی فرستنده پیام نسبت به گیرنده پیام مشهود است.

همچنین با توجه به آیات تحلیل شده مشخص گردید که این استراتژی در اغلب موارد در زمینه ترغیب و دعوت منکران به سوی خداوند به کار رفته است که این نکته با اصل مهم سودمندی گفتمان مطابقت داشته و قرآن کریم توانسته است با به کارگیری ساخت‌های زبانی مذکور به هدف خود که همان اثرگذاری بر مخاطب یر مبنای رعایت ادب و ابراز همبستگی است نائل آید.

## ۵. کتابنامه

- قرآن کریم

- ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۳۹۴ه.ق): تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن فارس، ابو الحسین أحمد، (۲۰۰۱م): معجم مقاییس اللغة، وضع حواشیه ابراهیم شمس الدین، ط ۱، لبنان: دار الکتب العلمیه.
- ابن القیم، أبو عبدالله محمد بن أبی بکر الدمشقی، (۲۰۱۰م): بدائع الفوائد، ط ۲، بیروت: دار الفوائد.
- احمد خانی، محمد رضا، (۱۳۹۳ش): بررسی جامعه شناختی عبارات خطاب در فارسی گفتاری محاوره ای، زبان شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ۱-۱۸.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ه. ق): روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی محقق: عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۸۵ش): تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان شناسی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- البقاعی، برهان الدین ابراهیم بن عمر، (۱۹۶۹م): نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، القاهرة: دارالکتب الإسلامی.
- التفتازانی، سعد الدین، (۲۰۰۱م): المطول شرح تلخیص مفتاح العلوم، تحقیق: عبدالحمید الهنداوی، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۴ش): تحلیل فرآیندهای گفتمانی در سوره ی قارعه، با تکیه بر نشانه شناسی تنشی، مجله جستارهای زبانی، شماره ۴.
- خفاجی، ابن سنان، (۱۹۵۳م): سر الفصاحه، به کوشش: عبدالمتعال الصعیدی، قاهره.
- الدریدی، سامیه، (۲۰۰۸م): الحجاج فی شعر العربی القديم بنیته و اسالیبه، الأردن: عالم الکتب الحدیث.
- الرویلی، میجان؛ البازغی، سعد، (۲۰۰۳م): دلیل الناقد الأدبی، ط ۳، بیروت: المرکز الثقافی العربی.
- سلطانی، علی اصغر، (۱۳۸۷ش): تحلیل گفتمان سیاسی رسانه‌ها، تهران: دانشگاه باقر العلوم، مجله علوم سیاسی، شماره ۴۲.
- الشهری، عبدالهادی بن ظافر، (۲۰۰۴م): استراتیجیات الخطاب: مقاربه لغویة تداولیة، ط ۱، بیروت: دار الکتب الجدید المتحدّه.

- صفوى ، كوروش، (١٣٨٠ش): از زبان شناسى به ادبيات، تهران: انتشارات سوره مهر.
- الصعدي، عبدالمتعال، (١٩٩٩م)، بغيه الإيضاح لتلخيص المفتاح فى علوم البلاغه، مكتبة الآداب.
- طباطبايى، محمدحسين، (١٣٩٠ه.ق): الميزان فى تفسير القرآن، ط٢، بيروت: مؤسسه الأعلمى للمطبوعات.
- عبد الرحمن، طه، (١٩٩٨م): اللسان و الميزان أو التكوثر العقلى، بيروت: المركز الثقافى العربى.
- عبدالمطلب، محمد، (١٩٩٤م): البلاغه و الاسلوبية، لبنان: الشركة المصرية العالمية.
- العثيمين، محمد بن صالح، (١٤٣٥ه.ق): تفسير القرآن الكريم، ط٣، الرياض: دار ابن الجوزى للنشر والتوزيع.
- القرطبي، أبى عبد الله، (١٣٧٢ق): الجامع لأحكام القرآن، تحقيق: أحمد عبد العليم، ط٢، دار الشعب.
- الكبيسى، شاكراً جمعة بكري، (٢٠٠٩م): التفسير التحليلى لسورة آل عمران، ط١، العراق: مركز البحوث والدراسات الإسلامية.
- گنابادى، سلطان محمد، (١٤٠٨ه.ق): تفسير بيان السعادة فى مقامات العبادة، ط٢، بيروت: مؤسسه الأعلمى للمطبوعات.
- گيدنز، آنتونى، (١٣٧٦ش): جامعه شناسى، ترجمه: منوچهر صبورى، تهران: نشر نى.
- محمد لازم، آلاء؛ ولى حيدر، يحيى، (١٤٣٨ه.ق): استراتيجيات الخطاب فى خطب الإمام الحسين عليه السلام - دراسة تداولية - مجلة الكلية الإسلامية الجامعة، العدد ٤٣، الجزء ٣، صص ١٧٧-١٩٩.
- المراغى، أحمد مصطفى المراغى، (١٣٧٣ه.ق): تفسير المراغى، بيروت: دار الفكر.
- معمارى، داود؛ غلام زاده، زهرا، (١٣٩٢): اسلوب خطاب و نقش آن در تبیان معارف قرآنى، فصلنامه پژوهش های ادبی - قرآنى، شماره ٤.
- مكارم شیرازى، ناصر، (١٣٧١ش): تفسير نمونه، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- نامدارى، ابراهيم، (١٣٩٦): تحليل گفتمان بشارت در قرآن، مجله پژوهش های زبان شناسختى قرآن، شماره ٢.
- هزاع، عائشه خضر احمد، (د.ت): استراتيجيه الاقناع فى آيات الرحمة المبدوءة ب (قل) مقارنة لغوية تداولية، العراق: جامعه الموصل، كلية التربية للبنات.
- يول، جورج، (٢٠١٠م): التداولية، ترجمه: قصى العتابى، ط١، بيروت: الدار العربية للعلوم.

١. leech. G. (١٩٨٣). Principles of pragmatics. London: Logman.



## **Linguistic structure of discourse coherence strategy in the Holy Quran**

### **Abstract**

Investigating discourse and its strategies is one of the new trends in contemporary linguistics, and the meaning of discourse strategy is a special method that discourse considers as a way to achieve its goals and functions, taking into account clues and context. . In contemporary linguistics, many discourse strategies have been listed, which include correlational, grammatical, persuasive, and ironic strategies. One of the important principles of the usefulness of discourse is dialogue literature, which is ordered by the Holy Qur'an. Following the manners and using Lin's words doubles the effect of the words on the audience and the speaker (Mersel) conveys a sense of solidarity to the audience (Mersel Ilyeh) by using appropriate language construction. Therefore, this type of conversation in which the speaker expresses his affection in order to influence the audience is called the discourse solidarity strategy. The Holy Quran has used this type of discourse as an effective strategy in calling to the right path. The current research is trying to analyze the linguistic structure of this strategy and to discover and highlight the linguistic tools that lead to this type of discourse with descriptive-analytical method. The result of the research indicates that the linguistic constructions of accentuation, good documentation, word selection in the form of address titles, the use of self-denial and self-blame, and the structure of minimization are among the most important components of the formation of solidarity discourse in the Holy Qur'an. This type of speech is used in most cases in the context of persuasion and invitation to God.

**Key words:** Holy Quran, discourse, solidarity, linguistic construction

